

جهان پس از کرونا و ویروس

سید محمد مهاجر^۱

این طوفان می‌گذرد اما انتخاب‌هایی که هم‌اکنون می‌کنیم، می‌تواند مسیر زندگی‌مان را در سال‌های پیش رو عوض کند. به راستی جهان پس از کرونا و ویروس چگونه خواهد بود؟

بشر امروز با بحرانی جهانی مواجه است. شاید بزرگ‌ترین بحران نسل ما. تصمیماتی که مردم و دولت‌ها طی چند هفته آینده اتخاذ می‌کنند به‌احتمال زیاد، جهان را در سال‌های پیش رو شکل می‌دهد. این تصمیمات نه‌تنها به نظام سلامت بلکه به اقتصاد، سیاست و فرهنگ ما نیز شکل می‌دهند. ما باید به‌سرعت و قاطعانه اقدام کنیم.

همچنین باید پیامدهای بلندمدت اقداماتمان را نیز در نظر بگیریم. وقتی در حال انتخاب از میان راه‌حل‌ها هستیم نه‌تنها باید از خودمان بپرسیم چطور می‌بایست بر این تهدید آنی غلبه کنیم بلکه باید بپرسیم بعد از عبور از این طوفان در چه دنیایی خواهیم زیست؟ بله این طوفان خواهد گذشت، بشر بقا می‌یابد، بیشتر ما زنده خواهیم ماند اما در دنیای متفاوتی خواهیم زیست.

بسیاری از معیارهای کوتاه‌مدت اضطراری تبدیل به جزئی ثابت از زندگی خواهند شد. این طبیعتِ شرایط اضطراری است. این‌ها به فرایندهای تاریخی سرعت می‌دهند. تصمیماتی که در شرایط عادی چندین سال مورد بررسی قرار می‌گرفتند، در عرض چند ساعت تصویب می‌شوند. فناوری‌های نابالغ و حتی خطرناک به کار گرفته می‌شوند زیرا خطر اینکه هیچ کاری انجام ندهیم، به مراتب بیشتر است.

همه مردم کشورها، در آزمایش‌های اجتماعی‌ای که در مقیاس کلان صورت می‌گیرد، در حکم خوکچه‌های گینه‌ای عمل می‌کنند. چه اتفاقی می‌افتد وقتی همه در خانه کار می‌کنند

^۱ دکترای مدیریت گرایش بازاریابی بین‌الملل، مدرس و مشاور برندینگ،

و تنها از راه دور با هم ارتباط دارند؟ چه اتفاقی می‌افتد وقتی همه مدارس و دانشگاه‌ها به صورت آنلاین فعالیت می‌کنند؟ در شرایط عادی حکومت‌ها، کسب‌وکارها و نظام آموزشی هرگز با انجام چنین آزمایشاتی موافقت نمی‌کنند اما الان، شرایط عادی نیست.

در بحران فعلی با دو گزینه مهم و منحصر به فرد مواجه هستیم: اولی انتخاب بین نظارت اقتدارگرایانه و توانمندسازی شهروندان است و دومی انتخاب میان انزوای ملی و همبستگی جهانی.

نظارت زیر پوستی جهان پس از کرونا ویروس

برای پایان دادن به اپیدمی، همه دنیا باید از دستورالعمل واحدی تبعیت کنند. دو راه اصلی برای دستیابی به این هدف وجود دارد: یک روش این است که حکومت بر مردم نظارت کرده و افرادی را که از قوانین تخطی می‌کنند، تنبیه نماید. امروزه برای اولین بار در تاریخ بشر، فناوری، این امکان را به ما می‌دهد که هر فردی را همیشه تحت نظر داشته باشیم. ۵۰ سال قبل، کا.گ.ب. نه می‌توانست همه ۲۴۰ میلیون شهروند اتحاد جماهیر شوروی را ۲۴ ساعته دنبال کند و نه می‌توانست امید داشته باشد که همه اطلاعات جمع‌آوری شده را به نحو مؤثری پردازش نماید. کا.گ.ب. متکی به عوامل انسانی و تحلیلگران خود بود و قطعاً نمی‌توانست برای تعقیب همه شهروندان، مأمور بگذارد؛ اما امروزه حکومت‌ها می‌توانند به جای جاسوسانی از جنس گوشت و خون به حسگرهایی که در همه جا هستند و الگوریتم‌های پر قدرت تکیه کنند.

در حال حاضر نیز بسیاری از حکومت‌ها در جنگ بر علیه اپیدمی کرونا ویروس، ابزارهای نظارتی جدیدی را به کار گرفته‌اند. بارزترین نمونه، چین است. به وسیله رصد شدید تلفن‌های هوشمند مردم، استفاده از میلیون‌ها دوربین تشخیص چهره و ملزم کردن مردم به بررسی و گزارش دمای بدن و وضعیت پزشکی‌شان، نظام حاکم بر چین نه تنها می‌تواند به سرعت ناقلین مشکوک به ویروس را شناسایی کند بلکه حتی می‌تواند رفت‌وآمدهای آن‌ها را ردیابی کرده و هر کسی را که با آن‌ها ارتباط داشته، شناسایی نماید. طیف وسیعی از اپلیکیشن‌های موبایلی به شهروندان درباره نزدیک شدن به بیماران آلوده، هشدار می‌دهند.

شاخص کارآفرینی(ویژه نامه کسب و کارها در بحران کرونا)/۳۵

چنین فناوری‌هایی محدود به آسیای شرقی نیست. اخیراً نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو به آژانس امنیتی اسرائیل اجازه داد فناوری نظارتی‌ای را که به‌طور معمول برای مقابله با تروریست‌ها استفاده می‌شود، برای ردیابی بیماران مبتلا به کرونا و ویروس به کار بگیرد. وقتی کمیته ذیربط در مجلس از صدور مجوز این اقدام خودداری کرد، نتانیاهو با استفاده از اختیارات قانونی در شرایط اضطراری آن را به تصویب رساند.

ممکن است ادعا کنید اینکه چیز جدیدی نیست. در سال‌های اخیر هم حکومت‌ها و هم شرکت‌ها حتی از فناوری‌های پیچیده‌تری برای نظارت، ردیابی و دست‌کاری افکار عمومی استفاده کرده‌اند. با این حال اگر هشیار نباشیم این اپیدمی ممکن است نقطه عطفی در تاریخ نظارت باشد. نه تنها به این خاطر که ممکن است استفاده از ابزارهای عظیم نظارتی را در کشورهایی که تاکنون از آن سرباز زده‌اند به امری عادی تبدیل کند بلکه بیشتر به این خاطر که نشان‌دهنده گذاری غم‌انگیز از نظارت علنی به نظارت زیرپوستی است.

پیش‌ازاین وقتی با انگشت صفحه گوشی هوشمندتان را لمس و بر روی لینکی کلیک می‌کردید، حکومت می‌خواست بداند که دقیقاً بر چه چیزی کلیک کرده‌اید؛ اما با کرونا ویروس، تمرکز علایق تغییر جهت پیدا می‌کند. اکنون حکومت می‌خواهد دمای انگشت و فشارخون زیر پوستتان را بداند.

دسر اضطراری

یکی از مشکلاتی که وقتی تحت نظارتیم با آن مواجه هستیم این است که هیچ‌یک از ما نمی‌دانیم که دقیقاً به چه صورتی تحت نظر هستیم و اینکه سال‌های پیش رو چه چیزی را برایمان به ارمغان خواهد آورد؟ فناوری نظارتی با سرعتی خارق‌العاده رشد می‌نماید و آنچه ۱۰ سال پیش علمی تخیلی به نظر می‌رسید امروزه اخباری قدیمی به حساب می‌آید. به‌عنوان یک آزمایشی خیالی، دولتی فرضی را در نظر بگیرید که خواستار آن است که همه شهروندان دستبندهای بیومتریک داشته باشند تا ۲۴ ساعته بر دمای بدن و ضربان قلب آن‌ها نظارت داشته باشد. داده‌های به‌دست‌آمده، ذخیره شده و توسط الگوریتم‌های حکومتی تجزیه و تحلیل می‌شوند. این الگوریتم‌ها، حتی قبل از اینکه خودتان بدانید، خواهند دانست که بیمار هستید

و خواهند دانست کجا بوده‌اید و با چه کسانی ملاقات کرده‌اید. زنجیره‌های سرایت می‌تواند به‌شدت کوتاه شده و حتی قطع شود. چنین سیستمی احتمالاً می‌تواند طی چند روز با ردیابی‌های خود، اپیدمی را متوقف نماید. عالی به نظر می‌رسد. این‌طور نیست؟

البته نکته منفی‌اش این است که به یک سیستم نظارتی جدید و وحشتناک مشروعیت می‌بخشد. به‌عنوان مثال، اگر شما بدانید که من به‌جای کلیک روی لینک فاکس نیوز، روی لینک سی.ان.ان کلیک کرده‌ام، می‌توانید چیزهایی در مورد دیدگاه‌های سیاسی من و حتی شاید در مورد شخصیت من بیاموزید؛ اما اگر بتوانید اتفاقی که هنگام تماشای یک کلیپ برای دمای بدن، فشارخون و ضربان قلبم رخ داده است را رصد کنید، می‌توانید بفهمید چه چیزی من را می‌خنداند، چه چیزی مرا به گریه می‌اندازد و چه چیزی مرا واقعاً عصبانی می‌کند.

مهم است که یادمان باشد که خشم، لذت، بی‌حوصلگی و عشق همگی پدیده‌هایی بیولوژیکی هستند، درست مثل تب و سرفه. همان فناوری‌ای که می‌تواند سرفه را شناسایی کند، خنده را هم می‌تواند تشخیص دهد. اگر شرکت‌ها و حکومت‌ها شروع به جمع‌آوری داده‌های بیومتریک ما در مقیاس وسیعی نمایند، می‌توانند ما را حتی بهتر از خودمان بشناسند و نه تنها می‌توانند احساسات ما را پیش‌بینی کنند بلکه می‌توانند آن احساسات را دست‌کاری و هر آنچه را که می‌خواهند به ما غالب کنند- چه یک محصول باشد و چه سیاستی خاص.

نظارت بیومتریک، شیوه‌های هک کردن داده‌های کمبریج آنالیتیکا (Cambridge Analytica's data) را شبیه چیزهای عصر حجری می‌کند. کره شمالی را در سال ۲۰۳۰ در نظر بگیرید که هر یک از شهروندان باید یک دستبند بیومتریکی را ۲۴ ساعته بر دست داشته باشند. اگر به سخنرانی رهبر بزرگ گوش می‌دهید و دستبندتان علائم عصبانیت را نشان می‌دهد، کارتان تمام است!

البته می‌توانید مورد نظارت بیومتریک را به‌عنوان اقدامی موقتی که در مواقع اضطراری صورت می‌گیرد، در نظر بگیرید. به‌محض اینکه موقعیت اضطراری تمام شود، این اقدام متوقف می‌شود؛ اما خصلت بدی که اقدامات موقتی دارند این است که شرایط اضطراری را طول می‌دهند به‌ویژه اینکه همیشه یک موقعیت اضطراری جدید در افق پیش‌رو، در کمین ماست.

شاخص کارآفرینی(ویژه نامه کسب و کارها در بحران کرونا)/۳۷

به‌عنوان مثال، سرزمین مادریم اسرائیل، طی جنگ‌های استقلال در سال ۱۹۴۸ وضعیت اضطراری اعلام کرد که به‌واسطه آن طیف وسیعی از اقدامات موقتی از سانسور مطبوعات و مصادره زمین‌ها گرفته تا مقررات ویژه برای تهیه دسر، توجیه می‌شد (شوخی نمی‌کنم). جنگ‌های استقلال مدتی طولانی است که تمام شده‌اند اما اسرائیل هرگز به وضعیت اضطراری خاتمه نداد و در لغو کردن بسیاری از اقدامات موقتی سال ۱۹۴۸ ناموفق بود (فرمان دسر اضطراری را در سال ۲۰۱۱ مهربانانه منسوخ کردند!).

حتی هنگامی که میزان سرایت کرونا ویروس به صفر برسد، بعضی حکومت‌هایی که تشنه داده‌ها هستند، می‌توانند ادعا کنند که باید سیستم‌های نظارتی بیومتریک را حفظ نمایند چرا که نگران موج دوم شیوع کرونا ویروس هستند، یا به‌این‌علت که نسل جدیدی از ویروس ابولا در آفریقای مرکزی در حال تکامل است، یا به این دلیل که... خودتان حدس بزنید! جنگ بزرگی بر سر حفظ حریم خصوصی ما در سال‌های اخیر در گرفته است. بحران کرونا ویروس می‌تواند نقطه عطف این نبرد باشد. وقتی به مردم فرصت انتخاب بین حریم خصوصی و سلامتی داده شود، معمولاً سلامتی را انتخاب می‌کنند.

در حقیقت، خواستن از مردم برای اینکه از بین حریم خصوصی و سلامتی یکی را انتخاب کنند، ریشه اصلی مشکل است. چراکه انتخاب غلطی است. ما می‌توانیم و باید، هم از حریم خصوصی و هم از سلامتی لذت ببریم. ما می‌توانیم نه از طریق ایجاد نظام‌های نظارتی دیکتاتورمآبانه، بلکه از طریق توانمندسازی شهروندان، از سلامت خود محافظت کرده و همه‌گیری آن را متوقف کنیم. در هفته‌های اخیر، برخی از موفق‌ترین تلاش‌ها برای مهار اپیدمی کرونا ویروس توسط کره جنوبی، تایوان و سنگاپور صورت گرفت. با این‌که این کشورها از برخی از برنامه‌های ردیابی استفاده کرده‌اند، اما بیشتر به آزمایشات گسترده، گزارشات صادقانه و همکاری مشتاقانه مردم آگاه جامعه اعتماد کرده‌اند.

نظارت متمرکز و مجازات‌های شدید تنها راه برای مجاب کردن مردم به پیروی از دستورالعمل‌های مفید نیست. وقتی حقایق علمی به مردم گفته شود و وقتی مردم به مقامات دولتی‌ای که این حقایق را می‌گویند اعتماد داشته باشند، حتی بدون اینکه آقابالاسر داشته

باشند، می‌توانند کارهای درست را انجام دهند. مردمی با انگیزه و آگاه معمولاً به‌مراتب قدرتمندتر و مؤثرتر از مردم نادانی هستند که تحت نظارت پلیسی قرار دارند.

به‌عنوان مثال شستن دستان خود با صابون را در نظر بگیرید. این کار یکی از بزرگ‌ترین پیشرفت‌های بهداشتی بشر بوده است. این اقدام ساده هر ساله جان میلیون‌ها انسان را نجات می‌دهد. درحالی‌که ما آن را بدیهی می‌پنداریم، اما تازه در قرن نوزدهم بود که دانشمندان اهمیت شستن دست‌ها با صابون را کشف کردند. قبل از آن، حتی پزشکان و پرستاران بدون شستن دستان خود از یک عمل جراحی به عمل جراحی دیگری اقدام می‌کردند. امروز میلیاردها انسان روزانه دست‌های خود را می‌شویند، نه به این دلیل که از پلیس صابون ترسیده باشند، بلکه به این خاطر که واقعیت‌ها را می‌فهمند. من دستانم را با صابون می‌شویم چون درباره ویروس‌ها و باکتری‌ها شنیده‌ام، می‌فهمم که این موجودات کوچک باعث بیماری می‌شوند و می‌دانم که صابون می‌تواند آن‌ها را از بین ببرد.

اما برای رسیدن به چنین سطحی از مقبولیت و همکاری، نیاز به اعتماد دارید. مردم باید به علم اعتماد داشته باشند، به مقامات دولتی اعتماد داشته باشند، به رسانه‌ها اعتماد داشته باشند. در چند سال گذشته، سیاستمداران بی‌مسئولیت عمداً اعتماد به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها را تضعیف کرده‌اند. حال ممکن است همین سیاستمداران بی‌مسئولیت وسوسه شوند که شاهره اقتدارگرایی را طی کنند، با این استدلال که شما نمی‌توانید صرفاً به مردم اعتماد کنید که خودشان کارهای درست را انجام دهند.

طبیعتاً اعتمادی را که در طی چندین سال از بین رفته است، نمی‌توان یک‌شبه بازسازی کرد؛ اما این بار شرایط طبیعی نیست. در لحظات بحرانی، ذهن‌ها نیز می‌توانند به‌سرعت تغییر کنند. شما می‌توانید سال‌ها با خواهر و برادرهای خود مشاجرات تلخی داشته باشید، اما وقتی شرایط اضطراری پیش می‌آید، ناگهان مخزنی پنهانی از اعتماد و رفاقت را کشف می‌کنید و به کمک یکدیگر می‌شتابید. چندان هم دیر نشده که به‌جای ایجاد یک رژیم نظارتی، به بازسازی اعتماد مردم نسبت به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها اقدام کنیم. قطعاً باید از فناوری‌های جدید هم استفاده کنیم، اما این فناوری‌ها باید شهروندان را توانمند کنند. من کاملاً موافق نظارت بر دمای بدن و فشارخون هستم اما از این داده‌ها نباید برای ایجاد حکومتی با قدرت

شاخص کارآفرینی(ویژه نامه کسب و کارها در بحران کرونا)/۳۹

مطلقه استفاده شود. در عوض، این داده‌ها باید به من امکان دهد تا بتوانم شخصاً انتخاب‌های آگاهانه بیشتری داشته باشم و نیز بتوانم دولت را در قبال تصمیماتش پاسخگو نگه دارم.

اگر بتوانم در ۲۴ ساعت شبانه‌روز وضعیت پزشکی خود را پیگیری کنم، نه تنها می‌فهمم که آیا به تهدیدی برای سلامتی سایرین تبدیل شده‌ام یا نه بلکه می‌فهمم که کدام عادت‌ها به سلامتی من کمک می‌کند. اگر بتوانم به آمارهای موثق در مورد شیوع کرونا و ویروس دسترسی پیدا کرده و آن‌ها را تجزیه تحلیل نمایم، آن وقت می‌توانم قضاوت کنم که آیا حکومت حقیقت را به من می‌گوید و آیا سیاست‌های صحیحی را برای مقابله با این اپیدمی اتخاذ کرده است یا خیر. هرگاه مردم در مورد نظارت صحبت می‌کنند، به خاطر داشته باشید که فناوری نظارتی نه تنها می‌تواند توسط حکومت‌ها برای نظارت بر مردم استفاده شود بلکه می‌تواند توسط مردم برای نظارت بر حکومت‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین اپیدمی کرونا و ویروس یک آزمون بزرگ شهروندی است. در روزهایی که در پیش داریم، هر یک از ما باید انتخاب کنیم که فراتر از نظریه‌های بی‌اساس توطئه و سیاستمداران منفعت‌طلب، به داده‌های علمی و متخصصان بهداشت و درمان اعتماد کنیم. اگر در انتخاب گزینه صحیح شکست بخوریم، ممکن است خودمان را در حال واگذاری بارزترین آزادی‌هایمان بیابیم، در حالی که فکر می‌کنیم این تنها راه حفاظت از سلامتی‌مان است. ما به یک برنامه جهانی احتیاج داریم.

دومین انتخاب مهم ما، انتخاب بین انزوای ملی و همبستگی جهانی است. هم خود اپیدمی و هم بحران اقتصادی ناشی از آن، مشکلاتی جهانی هستند که فقط با همکاری مؤثر جهانی قابل حل هستند.

قبل از هر چیز، برای شکست دادن ویروس، باید اطلاعات را به صورت جهانی به اشتراک بگذاریم. این مزیت بزرگ انسان‌ها نسبت به ویروس‌هاست. یک کرونا ویروس در چین و یک کرونا ویروس در ایالات متحده نمی‌توانند در خصوص نحوه آلوده کردن انسان‌ها، با هم تبادل اطلاعات نمایند؛ اما چین می‌تواند درس‌های با ارزش زیادی را در مورد کرونا ویروس و نحوه مقابله با آن به آمریکا یاد دهد. چیزی را که یک پزشک ایتالیایی در اوایل صبح در میلان

کشف می‌کند، می‌تواند تا عصر جان انسان‌های زیادی را در تهران نجات دهد. وقتی دولت انگلیس بین انتخاب چند سیاست مردد است، می‌تواند از کره‌ای‌ها که از یک ماه پیش تا الآن با معضل مشابهی روبرو شده‌اند، مشاوره بگیرد؛ اما برای اینکه چنین اتفاقی بیفتد، ما نیاز به روحیه همکاری و اعتمادی جهانی داریم.

کشورها باید بخواهند که اطلاعات را به صورت علنی به اشتراک بگذارند و فروتنانه به دنبال گرفتن مشاوره باشند و باید بتوانند به داده‌ها و بینش‌هایی که دریافت می‌کنند، اعتماد نمایند. ما همچنین برای تولید و توزیع تجهیزات پزشکی که مهم‌ترین آن‌ها کیت‌های آزمایش و دستگاه‌های تنفسی است، به تلاشی جهانی احتیاج داریم. به جای اینکه هر کشوری سعی کند این کار را به صورت محلی انجام دهد و هر مقدار تجهیزاتی را که به دست می‌آورد، تلبار کند، تلاش هماهنگ جهانی می‌تواند تولید را به شدت تسریع نموده و اطمینان دهد که تجهیزات نجات‌بخش زندگی، عادلانه‌تر توزیع می‌شود.

دقیقاً همان‌طوری که کشورها در طول جنگ، صنایع کلیدی را ملی می‌کنند، جنگ انسانی علیه کرونا ویروس ممکن است ما را ملزم به «انسانی سازی» خطوط مهم تولید کند. یک کشور ثروتمند که تعداد کمی از مبتلایان به کرونا ویروس دارد، باید مایل باشد که خیلی از تجهیزات گران‌بهای خود را به کشورهای فقیرتری که مبتلایان بیشتری دارد، بفرستد و این اطمینان را داشته باشد که اگر بعداً خودش به کمک نیاز پیدا کند، سایر کشورها به کمکش خواهند آمد.

ممکن است تلاشی جهانی و مشابه را برای ائتلاف کادر پزشکی مطرح کنیم. کشورهایی که در حال حاضر کمتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، می‌توانند کادر درمانی خود را به مناطق بیشتر آسیب‌دیده جهان اعزام کنند تا هم به آن‌ها در زمان‌های مورد نیازشان کمک کنند و هم تجربه‌هایی ارزشمند به دست بیاورند. اگر بعداً کانون اپیدمی تغییر پیدا کند، کمک‌های متقابل می‌تواند به جریان بیفتد.

همکاری جهانی در عرصه اقتصادی نیز بسیار حیاتی است. با توجه به ماهیت جهانی اقتصاد و زنجیره‌های تأمین، اگر هر دولتی کارهای خود را بدون در نظر گرفتن دیگران انجام دهد،

شاخص کارآفرینی(ویژه نامه کسب و کارها در بحران کرونا)/۴۱

نتیجه آن هرج و مرج و عمیق تر شدن بحران خواهد بود. ما نیازمند یک برنامه عملی جهانی هستیم و خیلی فوری به آن نیاز داریم.

الزام بعدی، دستیابی به توافقی جهانی در خصوص سفرهاست. تعلیق تمام سفرهای بین‌المللی به مدت چند ماه، مشکلات بزرگی را به دنبال خواهد داشت و مانع جنگ علیه کرونا و ویروس خواهد شد. کشورها باید همکاری کنند تا حداقل تعداد محدودی از کسانی که سفرشان ضروری است، بتوانند از مرزها عبور کنند: دانشمندان، پزشکان، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران و تجار. این امر می‌تواند با دستیابی به توافقی جهانی در مورد پیش‌غریبالگری مسافران توسط کشور مبدأ انجام شود. اگر بدانید فقط مسافرانی اجازه سوار شدن به هواپیما را پیدا کرده‌اند که به‌دقت غربال شده‌اند، بیشتر مایل به پذیرش آن‌ها در کشور خود خواهید بود.

متأسفانه، در حال حاضر کشورها به‌ندرت هرکدام از این کارها را انجام می‌دهند. فلجی جمعی، جامعه جهانی را گرفتار کرده است. به نظر می‌رسد آدم بالغی در اتاق (بین رهبران جهانی) نیست. چیزی که انتظار داشتیم ببینیم این بود که چند هفته پیش از این، جلسه اضطراری رهبران جهانی برای تهیه یک برنامه عملی مشترک برگزار می‌شد؛ اما صرفاً در همین هفته بود که رهبران گروه جی - ۷ اجلاسی ویدئویی ترتیب دادند که آن هم به چنین برنامه‌ای منتج نشد.

در بحران‌های جهانی قبلی - مثل بحران مالی سال ۲۰۰۸ و اپیدمی ابولا در سال ۲۰۱۴ - ایالات متحده نقش رهبری جهانی را بر عهده گرفت؛ اما دولت فعلی ایالات متحده از پذیرش نقش رهبری کناره‌گیری کرده است. این امر به‌وضوح نشان می‌دهد که آن‌ها به بزرگی آمریکا بسیار بیشتر از آینده بشریت اهمیت می‌دهند.

این دولت حتی نزدیک‌ترین متحدان خود را نیز رها کرده است. وقتی که همه سفرها از اتحادیه اروپا ممنوع اعلام کرد، حتی به خودش زحمت نداد که قبل از آن در حد یک اعلامیه به اتحادیه اروپا اطلاع دهد - چه برسد به اینکه با آن‌ها درباره چنین اقدام سخت‌گیرانه‌ای مشورت کند. آمریکا با ارائه پیشنهاد ۱ میلیارد دلاری به یک شرکت داروسازی

آلمانی برای خرید حقوق انحصاری واکسن جدید کووید-۱۹، آلمان را به شدت عصبانی کرده است. حتی اگر دولت فعلی سرانجام تغییر رویه دهد و یک برنامه جهانی عملی ارائه کند، کمتر کسی حاضر است از رهبری پیروی کند که هرگز مسئولیتی بر عهده نمی‌گیرد، هرگز اشتباهاتش را نمی‌پذیرد و کسی است که مرتباً اعتبار همه‌چیز را به خودش نسبت می‌دهد و همه گناهان را به گردن دیگران می‌اندازد.

اگر خلأ ناشی از عدم حضور ایالات متحده توسط سایر کشورها پر نشود، نه تنها متوقف کردن اپیدمی فعلی دشوارتر خواهد شد، بلکه میراث آن یعنی مسموم شدن روابط بین‌المللی، همچنان طی سال‌های آتی ادامه خواهد یافت. با این وجود، هر بحرانی یک فرصت است. ما باید امیدوار باشیم که اپیدمی فعلی به بشر در درک خطرات جدی ناشی از عدم اتحاد جهانی کمک کند.

بشریت باید دست به انتخاب بزند. آیا ما به مسیر چندپارگی سقوط خواهیم کرد یا مسیر همبستگی جهانی را طی خواهیم نمود؟ اگر عدم اتحاد را انتخاب کنیم، این کار نه تنها بحران را طولانی‌تر می‌کند، بلکه احتمالاً در آینده منجر به فجایع بدتری خواهد شد. اگر همبستگی جهانی را انتخاب کنیم، نه تنها در مقابل کرونا ویروس بلکه در برابر همه اپیدمی‌ها و بحران‌هایی که ممکن است در قرن بیست و یکم به بشر حمله کند، پیروز خواهیم شد.